



بررسی های حقوقی

# تنظیم بین المللی تولید و تجارت کالا

که شدیداً به چنین منابع درآمدی متکی هستند، در تلاشهای خود برای طرح و اجرای برنامه های اقتصادی بلندمدت با موانع بسیاری روبرو می شوند. هدف از تنظیم بین المللی تولید و تجارت کالا، تعدیل نقش آزاد نیروهای بازار از طریق مکانیسم های مقتضی و متناسب با نوسانات غیرقابل پیش بینی است.

## ۱- زمینه اقتصادی



حتی امروزه نیز کالاهای اولیه یا مواد خام مهمترین منبع عواید صادراتی کشورهای جهان سوم به شمار می آیند. از سوی دیگر، قیمت کالاها طبق «الگوهای دوره ای»<sup>۱</sup> نسبتاً غیرقابل پیش بینی به نحو قابل ملاحظه ای تغییر می یابد. بنابراین کشورهایی

1): cyclical patterns



## ۲- تحول تاریخی

سابقه «موافقتنامه‌های کالا»<sup>۱</sup> به سده نوزدهم بازمی‌گردد. در سال ۱۸۶۴ موافقتنامه‌ای میان بلژیک، فرانسه، بریتانیا و هلند منعقد شد که طبق آن دولتهای امضاءکننده از استرداد حقوق و عوارض گمرکی متعلق به شکرصادراتی منع گردیدند. بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ جهان، توسل بیشتر به مکانیسم‌های تثبیت‌کننده را برانگیخت، بطوریکه در اوایل دهه ۱۹۳۰ چنین مکانیسم‌هایی برای شکر، کائوچو، چای، قلع و گندم ایجاد گردید. طی سالیان نخست برقراری این ترتیبات، تلاش شد تا از طریق کارتهای خصوصی و یا کارتهای خصوصی مورد حمایت دولت (در مورد چای، قلع و شکر) اقدام شود، اما بزودی معلوم شد که مناسب‌ترین شکل اقدام، انعقاد و اجرای موافقتنامه‌های کالا میان دولتهاست. پس از جنگ جهانی دوم، چنین موافقتنامه‌هایی در مورد گندم (۱۹۴۹)، شکر (۱۹۵۳)، قلع (۱۹۵۴)، قهوه (۱۹۶۲) و روغن زیتون (۱۹۶۳) به

امضاء رسید. پس از انقضای آنها نیز موافقتنامه‌های دیگری جایگزین آنها شدند. با تشکیل کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد)<sup>۲</sup> مرحله نوینی آغاز شد. آنکتاد پس از تأسیس در سال ۱۹۶۴، تنظیم یک سیاست بین‌المللی در خصوص کالاها را جزء هدفهای اساسی قرار داد. عمده‌ترین نتیجه اصرار آنکتاد بود که «موافقتنامه بین‌المللی کائو»<sup>۳</sup> در سال ۱۹۷۲ منعقد شد. آنکتاد طی کنفرانس نایروبی (به تاریخ مه ۱۹۷۶) قطعنامه (IV) 93 را از تصویب گذراند که در آن یک «برنامه کلی برای کالاها»<sup>۴</sup> پیش‌بینی گردید و انعقاد هجده موافقتنامه در مورد کالاهای زیر پیشنهاد شد: موز، بوکسیت، کائو، قهوه، مس، پنجه و نخ پنجه‌ای، الیاف سخت<sup>۵</sup> و تولیداتی از این جنس، سنگ آهن، کف و تولیدات کنفی، منگنز، گوشت، فسفات، کائوچو، شکر، چای، چوبهای مناطق گرمسیری (حاره‌ای)، قلع و روغنهای نباتی. گرچه این برنامه کلی براساس «اجماع»<sup>۶</sup> تصویب شده بود، اما اجرای آن در ابتدا به کندی پیش می‌رفت، از اینرو آنکتاد طی

1): Commodity agreements

2): United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

3): International Cocoa Agreement

4): Integrated Programme for Commodities

5): Hard fibres

6): Consensus

به ترتیباتی مربوط می‌گردد که صرفاً وظایف مشورتی دارند و به عنوان یک مرکز برای تبادل اطلاعات و تجربه و همینطور کانونی برای انجام تحقیقات در مورد توسعه و گسترش بازار عمل می‌کنند. امروزه تقریباً تمام کالاهای کشاورزی تحت پوشش گروه‌های مطالعاتی «بین‌الدولی»<sup>۴</sup> قرار دارند که در چهارچوب سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)<sup>۵</sup> وزیر نظر «کمیته مسائل کالایی»<sup>۶</sup> این سازمان انجام وظیفه می‌کنند. در آنکساد نیز گروه‌های مطالعاتی مشابهی برای تعدادی از کالاهای غیرکشاورزی (مانند تنگستن) تشکیل شده است. یک «شورای بین‌المللی گوشت»<sup>۷</sup> نیز در چهارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)<sup>۸</sup> فعالیت دارد. تعدادی سازمانهای مستقل، مانند «کمیته مشورتی بین‌المللی پنبه»<sup>۹</sup>، «گروه مطالعاتی بین‌المللی در مورد پشم»<sup>۱۰</sup>، «گروه

قطعنامه (۷) 124 مورخ ژوئن ۱۹۷۹، از دولتها مصرانه درخواست کرد که برنامه کلی را با سرعت بیشتری به اجرا درآورند. در همین سال «موافقتنامه بین‌المللی کائوچوی طبیعی»<sup>۱</sup> منعقد شد. در سال ۱۹۸۲ نیز «موافقتنامه بین‌المللی کنف و تولیدات کنفی»<sup>۲</sup> شکل گرفت. در خصوص چوبهای مناطق گرمسیری، کنفرانسی در سال ۱۹۸۳ جهت مذاکره تشکیل گردید. تا جایکه به دیگر کالاها مربوط می‌شود مذاکراتی در دست انجام است. طی این مذاکرات معلوم شده است که تولید کنندگان برخی از مواد کانی خصوصاً فسفات، منگنز و بوکسیت، برای قبول تعهدات قراردادی الزام آور، علاقه واقعی ندارند.

### ۳- انواع مکانیسم‌های کالا

نخستین دسته از «مکانیسم‌های کالا»<sup>۳</sup>،

- 1): International Natural Rubber Agreement
- 2): International Agreement on Jute and Jute Products.
- 3): Commodity mechanisms
- 4): Intergovernmental
- 5): Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)
- 6): Committee on Commodity Problems
- 7): International Meat Council
- 8): General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
- 9): International Cotton Advisory Committee.
- 10): International Wool Study Group

مطالعاتی بین‌المللی سرب و روی»<sup>۱</sup>، نیز وظایف مشابهی بر عهده دارند. «موافقتنامه بین‌المللی روغن زیتون»<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۷۹ به امضاء رسید، همانند اسلافش، اساساً باید به عنوان مکانیسمی برای تبادل اطلاعات، ارائه مشورت و تشویق تولید تلقی شود، زیرا فاقد اختیارات لازم برای اثرگذاری بر شرایط بازار است. این گفته همچنین در مورد موافقتنامه بین‌المللی کنف و تولیدات کنفی مصداق دارد. از سال ۱۹۷۱، در ترتیبات مربوط به گندم، که قبلاً همواره رژیم خاصی را در مورد تنظیم بازار مقرر می‌داشت، مکانیسم‌های تنظیمی به چشم نمی‌خورد. سازمانهایی که برای قهوه و شکر تشکیل گردیدند، در دوره‌ای از حیاتشان دچار همین سرنوشت شدند. با امکان دستیابی به دومین اعتبار «صندوق مشترک»<sup>۳</sup>، ممکن است در آینده، تأسیس سازمانهای کالایی فاقد اختیار، برای دخالت در بازار، تشویق گردد.

بعلاوه در میان طرحهای مربوط به تنظیم بازار، ساختارهای بسیار متنوعی وجود دارند. برخی از گروههای بین‌الدولی فائو که در مورد چای و الیاف سخت کار می‌کنند سالهاست می‌کوشند ترتیبات غیررسمی «سه‌میه صادراتی»<sup>۴</sup> را به اجرا گذارند، بدون اینکه اقدام آنها از مبنای حقوقی چندانی برخوردار باشد. در میان موافقتنامه‌های از لحاظ حقوقی الزام‌آور، خط فاصلی «اتحادیه‌های تولیدکنندگان»<sup>۵</sup> را از موافقتنامه‌های کالا — به معنای دقیق کلمه یعنی «موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا»<sup>۶</sup> — جدا می‌کند. اتحادیه‌های تولیدکنندگان، که معروف‌ترین آنها سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)<sup>۷</sup> می‌باشد، بر عضویت انحصاری دولتهای تولیدکننده و صادرکننده مبتنی هستند. «اتحادیه بین‌المللی بوکسیت»<sup>۸</sup> و «اتحادیه کشورهای صادرکننده موز»<sup>۹</sup> مثال‌های دیگری در این زمینه به شمار می‌آیند.

1): International Lead and Zinc Study Group

2): International olive oil Agreement

3): Common Fund

4): Export quota

5): Producers' alliances

6): International Commodity Control Agreements (ICCAS)

7): Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)

8): International Bauxite Association

9): Union of Banana Exporting Countries

برعکس، موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا بر همکاری میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده استوارند و برای هر دو گروه حق رأی متساوی پیش‌بینی می‌کنند. در منشور هاوانا، که هیچگاه به اجرا درنیامد، قرار بود که اگر در موافقتنامه‌های بین‌المللی کالا ترتیباتی برای تنظیم تولید، کنترل‌های کمی صادرات و واردات یا تنظیم قیمت‌ها پیش‌بینی شده باشد، رعایت معیار برابری آراء جنبه اجباری پیدا کند. در میان موافقتنامه‌هایی که در حال حاضر معتبر هستند، تنها موافقتنامه‌های مربوط به کاکائو، قهوه، کائوچو، شکر و قلع جنبه کنترل‌کننده دارند.

## ۴- ویژگی‌های حقوقی عمده

### الف- اهداف:

در تمام موافقتنامه‌های رسمی، هدفهایی که می‌بایست با اجرای مواد موافقتنامه به آنها دست یافت صراحتاً تعیین شده‌اند. اتحادیه‌های تولیدکنندگان قبل از هر چیز بر منابع کشورهای تولیدکننده تأکید می‌ورزند تا جاییکه در موافقتنامه‌های کالا به مشارکت مصرف‌کننده مربوط می‌شود، رویه

معمول آن است که به قطعنامه‌های (IV) 93 و (V) 124 آنکناد اشاره شود تا بدین وسیله بر وابستگی متقابل آن موافقتنامه‌ها با «برنامه کلی برای کالاها» تأکید شده باشد. در میان هدفهای ویژه موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا، دستیابی به تعادل<sup>۱</sup> میان عرضه و تقاضا جایگاه نخست را داراست. در خصوص قیمت‌ها باید گفت که اسناد مزبور از یکسو به «قیمتهای منصفانه و سودآور»<sup>۲</sup> برای تولیدکنندگان اشاره دارند و از سوی دیگر بر «قیمتهای منصفانه و معقول»<sup>۳</sup> برای مصرف‌کنندگان تأکید می‌ورزند. با توجه به این فرمولهای کلی، موافقتنامه‌های کالا را نباید بعنوان ابزارهایی تلقی کرد که هدفشان حمایت از قیمت‌هاست، بلکه بیشتر باید به منزله مکانیسم‌هایی دانست که تثبیت قیمت‌ها را مدنظر دارند، بدون اینکه قادر باشند مانع گرایشهای بازار در بلندمدت شوند. سرانجام، در موافقتنامه‌های موردبحث، تأکیدی به نفع مصرف‌کننده در مورد مطمئن بودن و تداوم داشتن عرضه کالا به چشم می‌خورد.

### ب- روشهای تنظیم بازار:

تاکنون اتحادیه تولیدکنندگان از پیش‌بینی طرحهای پیچیده برای تنظیم بازار

1): Equilibrium

2): Fair and remunerative prices

3): Fair and reasonable Prices

خودداری و بیشتر به عنوان چهار چوبی نهادی برای تشکیل جلسات اعضاء عمل کرده است تا از این طریق تولید کنندگان بتوانند برای دستیابی به اهداف تعیین شده در موافقتنامه مربوطه، خط مشی هایشان را با یکدیگر هماهنگ سازند. با قطعنامه هایی که در این نشست ها صادر می گردد، درباره اقدامات ویژه ای که باید در مورد هر یک از موضوعات در دستور صورت گیرد، اخذ تصمیم می شود.

به منظور دستیابی به اهداف موافقتنامه های بین المللی کنترل کالا، که بر همکاری میان کشورهای تولید کننده و مصرف کننده مبتنی هستند، روشهایی بوجود آمده اند، که با تفاوت هایی اندک، در تمامی این نوع موافقتنامه ها به چشم می خورند.

از جمله مهمترین مکانیسم های دخالت در بازار، ایجاد «ذخیره احتیاطی»<sup>۱</sup> است. در حال حاضر ذخیره احتیاطی در موافقتنامه های مربوط به کاکائو، کائوچو و قلع پیش بینی شده است. بطور کلی، در زمان سقوط قیمت ها، ذخیره احتیاطی بعنوان یک خریدار وارد بازار می شود و در شرایط افزایش قیمت ها، مقادیر ذخیره شده را مجدداً به فروش می رساند. بنا به دلائل فیزیکی، کالاهایی که بتوان این روش تنظیم بازار را

در مورد آنها بکاربرد، محدودند. تنها کالاهایی را می توان انتخاب کرد که با هزینه نسبتاً اندک قابل انبار کردن بوده و برای آنها بازار یکدست، با مشخص و معین بودن درجات کیفی کالا، وجود داشته باشد. بعلاوه، موفقیت ذخیره احتیاطی تا حد بسیار به میزان آن بستگی دارد. هر چه میزان این ذخیره افزایش یابد، شانس موفقیت آن در مقابله با شرایطی که قیمت ها در کوتاه مدت به حداقل می رسند، بیشتر می شود. قیمت ها در وهله نخست بر اساس نیروهای بازار تعیین می شوند. تا زمانی که قیمت ها در محدوده از پیش تعیین شده نوسان می کنند، ذخیره احتیاطی نقشی ندارد. تنها هنگامیکه قیمت ها از این محدوده فراتر روند، دخالت ذخیره احتیاطی مجاز یا حتی اجباری می گردد (البته بسته به اینکه کدام شق از اولویت برخوردار باشد). در موافقتنامه بین المللی شکر<sup>۲</sup> (سال ۱۹۷۷)، تفاوتی مهم از لحاظ روش ایجاد ذخیره احتیاطی به چشم می خورد و آن پیش بینی ذخایر در سطح ملی و به گونه ای هماهنگ است (ذخایر ویژه)<sup>۳</sup>.

تعیین سهمیه های صادراتی روش دیگری برای تنظیم بازار به شمار می آید. ممکن است سهمیه های صادراتی و ذخیره احتیاطی با هم در نظر گرفته شوند تا

1): Buffer stock

2): International of Sugar Agreement

3): Special Stocks

سهیمه ها، کارایی بهتری پیدا کنند (مانند موافقتنامه بین المللی قلع) <sup>۱</sup> یا سهمیه های صادراتی و ذخیره ملی درکنار هم قرار گیرند (مانند موافقتنامه بین المللی شکر). به علاوه، سهمیه های صادراتی ممکن است فقط به عنوان مکانیسمی برای اثرگذاری بر عرضه برقرار شوند (مانند موافقتنامه بین المللی قهوه) <sup>۲</sup>. بطور کلی تدابیر کنترل صادرات از همان آغاز با تعیین «سهمیه پایه» <sup>۳</sup> یا میزان صادرات پایه <sup>۴</sup> هر کشور که بر مبنای میزان متوسط صادرات آن طی چند سال قبل تعیین می گردد - همراه بوده است. به منظور تعیین سهمیه، قبل از آغاز هر سال شورایی صلاحیتدار، برآوردی جامع از دورنمای تقاضای بازار جهانی کالای مورد نظر بعمل می آورد و این مقدار جهانی را به نسبت سهمیه پایه اعضاء، میان آنها توزیع می کند. بدین ترتیب سهمیه یا سهمیه های آن سال مشخص می گردد. برای اجتناب از نوسانات فصلی، در موافقتنامه قهوه سهمیه های سه ماهه در نظر گرفته شده و به علاوه برای انواع مختلف قهوه محدوده های

مختلف قیمت تعیین گردیده است. آشکار است که موفقیت روش سهمیه های صادراتی عمده به میزان پوششی بستگی دارد که سهمیه های مزبور برای تجارت جهانی واقعی آن کالا بوجود می آورند. اگر احتیاط های ویژه ای صورت نگیرد، برقراری سهمیه به آسانی می تواند تنها به نفع کشورهای تولید کننده غیرعضو باشد. برای مقابله با چنین آثار سوئی، «شروط استاندارد» <sup>۵</sup> بوجود آمده اند. در برخی از موارد دولتهای وارد کننده متعهد می شوند که بیش از میانگین سالانه واردات چند سال قبل خود از کشورهای غیرعضو، کالای مورد نظر را از کشورهای یاد شده وارد نمایند، در موارد دیگر، در صورت اعمال سهمیه بندی صادرات، تقلیل واردات از کشورهای ثالث (خارج از موافقتنامه های بین المللی کنترل کالا) مقرر می گردد. نگهداری ذخائر در مقیاسی آنچنان عظیم که بتواند بر شرایط بازار به نحو مطلوب اثر گذارد، مستلزم وجود امکانات مالی قابل توجهی است. گرچه تشبیت قیمتها به نفع

#### 1) International tin Agreement

توضیح: باید متذکر شد که در موافقتنامه های سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۵ کا کائونیز این روش صراحتاً پیش بینی شده بود، اما در موافقتنامه سال ۱۹۸۰ به گونه ای غیرمستقیم و به عنوان اقلام اضافی آمده است.

#### 2) International Coffee Agreement.

#### 3) Basic quotas

#### 4) Basic export tonnages

#### 5) Standard Clauses

تولید کننده و مصرف کننده، هر دو می باشد، اما تا همین اواخر کشورهای مصرف کننده از سهم شدن در بار مالی ایجاد شده، خودداری می ورزیدند. نخستین گام در مسیر جدید، با تصمیم سال ۱۹۶۹ «صندوق بین المللی پول»<sup>۱</sup> در زمینه فراهم کردن تسهیلات لازم برای ایجاد ذخیره احتیاطی ویژه، برداشته شد. در موافقتنامه بین المللی کاکائو (مورخ ۱۹۷۲) کشورهای مصرف کننده برای نخستین بار متعهد شدند در تأمین مالی ذخیره احتیاطی مشارکت داشته باشند. بعلاوه این قبیل مشارکتهای مالی مصرف کنندگان یکی از جنبه های اصلی برنامه کلی آنکتاد برای کالاهای بشار می آید. در موافقتنامه هایی که اخیراً منعقد شده اند، موضع آنکتاد همواره غالب بوده است. در این راستا قرار شد هزینه های لازم برای ایجاد ذخیره احتیاطی برای کائوجو، بطور مساوی میان هر دو گروه کشورهای تولید کننده و مصرف کننده این کالا تقسیم شود. در ششمین موافقتنامه بین المللی قلع نیز این ترتیبات برقرار شده است. در مورد کاکائو باید گفت که مشارکت کشورهای مصرف کننده، از طریق وضع مالیات تجاری برای تمامی محموله های کاکائو، تضمین شده است. پس از به اجرا درآمدن موافقتنامه تاسیس صندوق مشترک، آن دسته از سازمانهای

بین المللی کالا که تأمین مالی ذخایر احتیاطی را مشترکاً بر عهده تولید کنندگان و مصرف کنندگان می گذارند، خواهند توانست از منابع صندوق استفاده کنند.

طبق طرح قرارداد چند جانبه کالا، آنگونه که در موافقتنامه های ۱۹۴۹، ۱۹۵۳، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۲ - به عنوان نمونه - آمده است، اعضاء وارد کننده متعهدند تعداد معینی از کالای مورد نظر (یا درصد مشخصی از نیازهای وارداتی) را با قیمتهای واقع در محدوده مورد توافق، خریداری نمایند. از آنجا که در «موافقتنامه بین المللی گندم»<sup>۲</sup> (منعقد در سال ۱۹۷۱) اختیاراتی برای تنظیم بازار مقرر نشده است، این طرح دیگر عملی نیست.

موافقتنامه های کالا عموماً می پذیرند که نمی توان با عدم توازنهای ساختاری، تنها با اثرگذاری بر شرایط بازار، به گونه ای موفقیت آمیز مبارزه کرد، بلکه لازم است در مورد تولید و مصرف نیز اقداماتی صورت گیرد. بهر حال، در موافقتنامه های مزبور کلاً وسایل مؤثری پیش بینی نشده است تا دولتهای عضو را وادارند تولیدشان را در تعادل معقول با مصرف نگهدارند. تا جاییکه به مصرف مربوط می شود، تمامی موافقتنامه های مربوط به غلات، لزوم افزایش تولید را اعلام میدارند. اما از آنجا که مصرف نمی تواند

1): International Monetary Fund (IMF)

2): International Wheat Agreement



جنبه تحمیلی داشته باشد، مکانیسم‌های پیش‌بینی شده در این زمینه از لحاظ دامنه نسبتاً محدودند (مبارزات تبلیغاتی، برنامه‌های تشویقی و طرح‌های تحقیقاتی). گرچه ششمین موافقتنامه بین‌المللی قلع، کالای غیرقابل تجدیدی را تحت پوشش دارد، ولی به افزایش مصرف اشاره شده است. هر چند این موافقتنامه در عین حال لزوم بهبود کارایی در استفاده از قلع به عنوان کمک به حفظ ذخایر جهانی این کالا را متذکر میشود.

### ● ● ● ج - ساختار و رأی‌گیری:

از آنجا که در موافقتنامه‌های مربوط به اتحادیه‌های تولیدکنندگان، مکانیسم‌هایی برای کنترل بازار پیش‌بینی نشده است، منطقی است که تصمیمات الزام‌آور به اتفاق آراء گرفته شوند. برای مثال این قاعده در مورد کنفرانس‌های اوپک و سی‌پک (شورای بین‌الدولی صادرکنندگان مس)<sup>۱</sup> و اتحادیه بین‌المللی بوکسیت معتبر است. در کنفرانس اتحادیه کشورهای صادرکننده موز، روش متفاوتی رایج است. در تمامی موافقتنامه‌های کالا، که بر

همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مبتنی هستند، ابتدا یک رکن عمومی (مثلاً شورا)<sup>۲</sup> پیش‌بینی می‌گردد که در آن کلیه اعضا نمایندگان دارند. به علاوه در برخی از این موافقتنامه‌ها، رکنی با تعداد اعضا کمتر (مانند هیئت مدیره)<sup>۳</sup> یا کمیته اجرایی<sup>۴</sup> در نظر گرفته می‌شود. تمامی اختیارات سازمان در شورا متمرکز است. توزیع آراء در درجه نخست بر پایه اصل برابری میان کشورهای تولیدکننده/صادرکننده و کشورهای مصرف‌کننده/واردکننده، و در درجه دوم بر اساس تخصیص آراء به هر گروه از کشورها - بسته به قدرت نسبی اقتصادی هریک از اعضا - صورت می‌گیرد. بطور معمول هر گروه کلاً دارای یک‌هزار رأی است و هر عضو حق دارد تعدادی رأی اصلی یا اولیه<sup>۵</sup> (حداکثر ۵ رأی) داشته باشد. بنابراین بقیه آراء به نسبت واردات و صادرات کشورها طی یک دوره معین، توزیع می‌گردد. به دلیل وجود آراء اصلی یا اولیه که به نفع اعضا کوچکتر است و از اهمیت میزان صادرات و واردات به نحو قابل ملاحظه‌ای کاسته میشود. بنابراین غولهای اقتصادی، بر اساس قدرت واقعی‌شان رأی بدست

1): Conseil Intergouvernemental des Pay Exportateurs de Cuivre (CIPEC)

2): Council

3): Board

4): Exectvtive Committee

5): Basic of initial vote



برای تعداد دولتهای شرکت کننده، مقرر می‌گردد که دولتهای مزبور در عین حال باید حداقل درصدی از تجارت آن کالا را در اختیار داشته باشند. با لحاظ نمودن تمامی کشورهاییکه در کنفرانس مذاکراتی یک موافقتنامه کالا شرکت دارند، موافقتنامه مزبور باید معمولاً به تأیید دولتهایی که اساساً بیش از ۵۰ درصد از تجارت (واردات و صادرات) آن کالا را در اختیار دارند نیز برسد. در موافقتنامه بین المللی کائوچو، ۸۰ درصد از صادرات خالص و همین مقدار واردات خالص تحت پوشش قرار دارد. در موافقتنامه بین المللی کاکائو (منعقد در سال ۱۹۸۰) نیز پنج کشور تولید کننده عضو ۸۰ درصد از صادرات و کشورهای مصرف کننده عضو ۷۰ درصد از واردات این کالا را در دست دارند.

از آنجا که تجربه نشان داده است که دولتها در تلاش برای تصویب موافقتنامه های کالا در پارلمانهای خود با دشواریهای قابل ملاحظه ای مواجهند، عموماً پیش بینی می‌گردد که چنین موافقتنامه هایی را می‌توان موقتاً به اجرا درآورد. بدین منظور صرف ارسال یادداشتی دایربراینکه موافقتنامه موقتاً قابل اجرا خواهد بود، در حکم ارسال اسناد قطعی الحاق، قبول و تصویب تلقی خواهد شد. بعلت کندی جریان رسیدگی پارلمانی در برخی از کشورها، ممکن است حتی

اتفاق افتد که دولتی یک موافقتنامه کالا را در طول دوره پیش بینی شده، همچنان بصورت موقت اجرا کند.

بنا به رویه جاری، موافقتنامه های بین المللی کنترل کالا اغلب برای یک دوره پنج ساله منعقد می‌شوند. البته استثنائاً دوره موافقتنامه بین المللی کاکائو (۱۹۸۰) فقط سه سال بوده است و موافقتنامه بین المللی قهوه (۱۹۸۳) نیز به مدت شش سال قابل اجرا می‌باشد. تعیین محدوده زمانی از این درک کلی نشأت می‌گیرد که شرایط اقتصادی جهان به سرعت تحول پیدا می‌کند و بنابراین معمولاً لازم است که پس از گذشت یک دوره نسبتاً کوتاه، موافقتنامه های منعقد با توجه به شرایط جدید و تجارب اندوخته شده مورد تجدیدنظر قرار گیرند.

البته طبق مواد موافقتنامه، دوره آن تا حدی انعطاف پذیر است. بدین ترتیب که به شورای ذی صلاح اختیار داده می‌شود دوره موافقتنامه را تمدید کند. حداکثر مدت قابل تمدید معمولاً دو سال است، هر چند، گاه در شرایطی که مذاکره برای تدوین موافقتنامه بعدی هنوز به پایان نرسیده و یا موافقتنامه جدید هنوز قدرت اجرایی پیدا نکرده باشد، امکان تمدید موافقتنامه برای مدت بیشتر نیز وجود دارد. چنین تصمیماتی همواره با اکثریت خاص اتخاذ می‌گردند.

کارآیی اقتصادی معیاری است که مفید بودن موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا بوسیله آن سنجیده می‌شود. از نقطه نظر حقوقی، این کارآیی در درجه نخست به تعداد دولتهای عضو موافقتنامه و سهم آنها در بازار کالای مورد نظر بستگی دارد. آشکار است که تثبیت قیمت‌های کالا، مجادله برانگیزترین بخش از مذاکرات فی مابین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. از سوی دیگر، کشورهای تولیدکننده مخالف سهمیه‌هایی هستند که به آنها تخصیص داده می‌شود. آمریکا، بعنوان یکی از بزرگترین کشورهای مصرف‌کننده، عموماً به تلاش‌های انجام شده در زمینه تنظیم موافقتنامه‌های کالا با شک و تردید بسیار نگاه می‌کند (برای مثال این دولت از پیوستن به موافقتنامه کاکائو منعقد شده در سال ۱۹۸۰ امتناع ورزیده است زیرا شرایط آنرا بسیار سخت و سنگین تصور می‌کرد) جامعه اقتصادی اروپا<sup>۲</sup> نیز به علت اختلاف نظر در مورد سهمیه صادراتیش، به موافقتنامه بین‌المللی شکر مورخ (۱۹۷۷) ملحق نشد.

اجرای عهدنامه، مشکلات عدیده‌ای - خصوصاً در مواردی که سهمیه‌های صادراتی برقرار میشوند - بسار می‌آورد. تقریباً اعضاء

انعطاف‌پذیری دوره، با توجه به قواعد مربوط به خروج<sup>۱</sup> از موافقتنامه، باز هم افزایش می‌یابد. در بسیاری از موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا پیش‌بینی شده است که اعضاء در دوزمان می‌توانند با ارسال یادداشت قصد خود را در مورد خروج از موافقتنامه بدون ذکر دلیل - اطلاع دهند. خروج از موافقتنامه معمولاً پس از مدتی کوتاه مثلاً ۹۰ و یا حتی ۳۰ روز (موافقتنامه بین‌المللی شکر مورخ ۱۹۷۷) عملی می‌گردد. البته استثنائاً در کنوانسیون تجارت گندم (منعقد در سال ۱۹۶۷) برخی شرایط سنگین پیش‌بینی شده است یا در موافقتنامه قلع، دولتی که با تعیین یک مهلت کوتاه از عضویت موافقتنامه خارج شود، تنبیه مالی می‌گردد. در موافقتنامه‌هایی که فاقد قواعد اقتصادی مفصلند (مانند موافقتنامه روغن زیتون) برخی مقررات انعطاف‌ناپذیر به چشم می‌خورند.

به منظور تخفیف شرایط دشوار اقتصادی در موقعیت‌های استثنایی، در کلیه موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا پیش‌بینی می‌شود که طرف متعاقد می‌تواند از انجام برخی از تعهداتش فارغ باشد.

1): Withdrawal

2): European Economic Community (EEC)

بطور اجتناب‌ناپذیری به تخلف از قواعد مجری اغوا می‌شوند و آن مقدار از کالا را به بازار عرضه می‌کنند که در عمل تولید کرده و نمی‌توانند آنرا در بازار داخلی به فروش برسانند.

بطور کلی تجربه نشان می‌دهد که موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل کالا ابزارهای مناسبی برای مقابله با نوسانات کوتاه‌مدت - بویژه در وضعیت‌هایی که اختلالات زودگذر در جریان تقاضا بوجود می‌آید - بوده‌اند. بهرحال، عدم تعادل‌های ساختاری بازار را نمی‌توان تنها از طریق

اثرگذاری بر عرضه و تقاضا درمان کرد. به جز اوپک هیچ یک از اتحادیه‌های تولیدکنندگان موفقیت چشمگیری نداشته‌اند. اگر کالائی خاص بطور دفاکتو در انحصار یک دولت نباشد یا نتوان کالای دیگری را جایگزین آن ساخت، بنظر میرسد همکاری میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن کالا اجتناب‌ناپذیر گردد. دیگر ضعف کلی اتحادیه‌های تولیدکنندگان آن است که تاکنون نتوانسته‌اند مجموعه‌ای از مکانیسم‌های مناسب را برای اجرای سیاست‌هایشان بوجود آورند. \*

1): de facto



\* به نقل از:

«Commodities, International Regulation of Production and Trade,» in *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 8. Amsterdam: North - Holland, 1985, pp. 94-99.